

گروه‌شناسی نان خشکی‌های غیر مجاز افغان، مستقر در جنوب شرقی تهران (مطالعه موردی ۱۳۸۰)

پژوهشگر: اکبر بخشی‌نیا

مشاوران: علی اصغر پاکدل سلطانی، دکتر حبیب آقابخشی

چکیده

این پژوهش با هدف گروه‌شناسی نان خشکی‌های غیر مجاز افغان و همچنین آسیب‌شناسی اجتماعی آنان به صورت مطالعه موردی انجام شده است. یک گروه ۵۵ نفره از این نان خشکی‌ها که در سطح شهر تهران فعالیت داشته و محل سکونت آنان در یکی از دامداری‌های واقع در جنوب شرقی تهران بوده به صورت کیفی و میدانی مورد مطالعه قرار گرفته است. در این پژوهش، نمونه‌گیری انجام نشده و کل جامعه مورد بررسی واقع شده است. ابتدا وضعیت اجتماعی اعضای جامعه مورد مطالعه و نگرش آنان نسبت به مردم و مسئولان جامعه و نیز ادراکات آنان از نگرش مردم و مسئولان به خود با استفاده از شیوه‌های آماری به روش پیمایشی بررسی شده است. سپس به منظور مطالعه ساختار و ویژگی‌های گروهی و همچنین پویایی گروهی آنان یکی از پاره‌گروه‌های این جامعه به طور عمیق‌تر و به صورت کیفی و مشاهده‌ای بررسی شده و نیز جداول و سوسیوگرام‌های مربوطه رسم شده است. ابزار تحقیق مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه بوده است. پژوهشگر با تلاش زیاد توانسته اعتماد این گروه بسته و ناهنجار را کسب کرده و به درون آن راه یابد و بیش از چهار ماه به صورت پاره‌وقت با آنان در تماس باشد و به مطالعه و مشاهده نحوه زندگی، شرایط اجتماعی، روابط و مناسبات داخلی و خارجی آنان بپردازد.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی اجتماعی، انحراف اجتماعی، حاشیه‌نشینی، مهاجرت، گروه، پویایی گروهی.

هدف پژوهش مطالعه موردی این گروه و آسیب‌شناسی اجتماعی آنان و شناخت ساختار و ویژگی‌های گروهی و همچنین پویایی گروهی آنان بوده و سؤالاتی به این شرح مطرح شده است:

۱. وضعیت اجتماعی اعضای گروه نان خشکی‌های غیر مجاز افغان چگونه است؟
۲. نگرش آنان نسبت به مردم جامعه و مسئولان جامعه (نیروهای انتظامی، شهرداری و سازمان بازیافت) چگونه است؟
۳. آنان چه ادراکی از نگرش مردم و مسئولان جامعه (نیروهای انتظامی، شهرداری و سازمان بازیافت) نسبت به خود دارند؟
۴. آنان چه آسیب‌هایی (آسیب‌های اجتماعی) برای جامعه ایجاد می‌کنند؟
۵. خود آنان در معرض چه آسیب‌هایی (آسیب‌های اجتماعی) قرار دارند؟
۶. ساختار گروهی آنان چگونه است؟
۷. ویژگی‌های گروهی آنان چیست؟
۸. پویایی‌های گروهی آنان چگونه است؟

بحث نظری

انحراف اجتماعی به تمامی رفتارهایی اطلاق می‌گردد که با معیارها و ارزش‌های اجتماعی در تضادند. این انحرافات یا کجروی‌های اجتماعی باعث آسیب اجتماعی

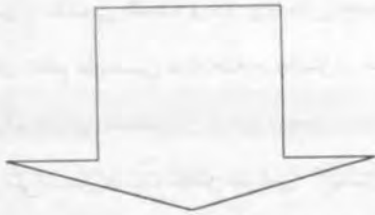
گروه نان خشکی‌های غیر مجاز افغانی، افرادی افغانی هستند که عمدتاً به طور غیر قانونی وارد ایران شده و در سطح شهر تهران با سر و وضع ژولیده و ژنده پوش، گونی به دوش در بین زباله‌هایی که مردم و مؤسسات در خیابانها و کوچه‌ها گذاشته تا مأموران شهرداری آنها را ببرند به جستجو پرداخته و اشیایی را که به نظرشان با ارزش برسد برداشته و بقیه زباله‌ها را پخش و پلا می‌سازند. اینان به در خانه‌ها مراجعه کرده و خواستار ضایعات نان می‌شوند. از نظر شهرداری و مأموران انتظامی این افراد "زباله دزد" بوده و فعالیتشان غیر قانونی است.

تاکنون در این باره پژوهشی انجام نشده اما در پژوهش آقای محمد حسن آغاسی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تحت عنوان "پژوهشی در مورد عوامل شدت جرم جوانان افغان ژندانی در ندامتگاههای قصر و قزل حصار تهران" به مهاجرت افغانی‌ها و بزهکاری جوانان افغان اشاره شده است. همچنین در پایان نامه کارشناسی آقای احمد رحیمی دانشجوی دانشگاه آزاد تحت عنوان "بررسی علل فرار کودکان ۱۰ تا ۱۸ ساله تهرانی" به نان خشکی‌ها و فعالیت آنان اشاره شده است.

خاطر بسیاری را برای اهالی فراهم می‌کند و به برخی از نیازهای آنان پاسخ می‌دهد. (۲) افراد حاشیه نشین اکثراً افراد مهاجری هستند که از داخل و یا خارج کشوری به منطقه‌ای که معمولاً حاشیه شهرهای بزرگ است آمده و در آنجا ساکن شده‌اند. "اورت لی می‌گوید: "مهاجرت یک جریان انتخاب کننده است به این معنا که مهاجرین مقدمتاً تحت تأثیر عوامل دافعه در مبداء و عوامل جاذبه در مقصد دست به مهاجرت می‌زنند." (۳) به نظر جورج زیمل "عدم تجانس و ناهمگونی شهرها به دلیل هجوم مهاجرین و مردمانی با ریشه‌های قومی و فرهنگی متفاوت و با سطح زندگی مختلف موجب بروز ناهماهنگی و تضاد در درون شهرها می‌شود و زندگی شهری را در عین تنوع دشوارتر می‌سازد. در چنین وضعیتی انومی یا بی‌هنجاری توسعه پیدا کرده و به تبع آن آسیب‌های اجتماعی گسترش می‌یابند." (۴)

گروه‌های منحرف نیز گروه‌هایی هستند که برخی از هنجارهای جامعه اصلی را رعایت نکرده و بعضاً در تضاد و تعارض با آن قرار می‌گیرند و جزو گروه‌های اقلیت محسوب می‌شوند. گروه‌های اقلیت جمعی از افراد اند که با اکثریت جامعه خود تفاوت‌هایی داشته باشند. گروه‌های اقلیت جامعه، معمولاً از لحاظ نژاد، دین، ملیت و زبان از گروه اکثریت متمایز می‌شوند. آنان غالباً از داشتن امکاناتی که اعضای گروه اکثریت از آن برخوردارند، محرومند. موقعیت اقتصادی و شغلی نیز گروهی از اعضای جامعه را به صورت یک گروه اقلیت در می‌آورد مانند کولی‌ها یا آلونک نشین‌ها. (۵)

می‌شوند. آسیب اجتماعی پدیده‌ای است که از زندگی گروهی افراد ناشی شده و در وجدان جمعی و باور عمومی مغلط طبیعی جامعه محسوب می‌شود و با ارزش‌های اجتماعی حاکم در تضاد است و سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد. به نظر مرتن: "انحراف اجتماعی نتیجه نارسایی موجود در فرهنگ و ساختارهای اجتماعی جامعه می‌باشد. هر جامعه‌ای نه تنها هدف‌های فرهنگی تجویز شده‌ای دارد بلکه وسایلی را که از لحاظ اجتماعی نیز پذیرفته شده است برای دستیابی به این هدف‌ها در اختیار دارد. هرگاه این وسایل در دسترس کسی گذاشته نشود احتمالاً آن شخص به رفتار انحراف آمیز دست می‌زند." (۱) از گروه‌هایی که ممکن است رفتارشان انحراف آمیز باشد گروه‌های حاشیه‌ای و حاشیه‌نشین هستند. گروه‌های حاشیه‌ای، گروه‌هایی هستند که به علت شرایط اجتماعی و اقتصادی از جامعه اصلی جدا شده و تعامل آنان با جامعه اصلی معمولاً به هنجار نبوده و بعضاً در تضاد و تعارض با آن قرار می‌گیرند. این گروه‌ها خرده فرهنگ خاص خود را دارند. رفتار اعضای این گروه‌ها با رفتار اعضای جامعه اصلی متفاوت بوده و این رفتارها از نظر جامعه اصلی به درجات مختلف انحراف اجتماعی تلقی می‌شود. چنین گروه‌هایی دارای ساختار بوده و محیط مسکونیشان نیز دارای نظم و سازمان اجتماعی مخصوص به خود است. ویلیام وایت می‌گوید: "مشکل اصلی در محلات حاشیه‌نشین و فقیرنشین، بی‌سازمانی آنها نیست بلکه مشکل، تعارض میان شیوه زندگی سازمان یافته این محلات و ارزش‌های قابل احترام طبقه متوسط است. این محلات ممکن است برای افراد خارج از محله محیطی خطرناک و مرموز به نظر آید ولی برای خود اهالی محیطی آشنا و سازمان یافته‌ای است که رضایت



"هانری مندراس" جامعه‌شناس فرانسوی در تعریف گروه می‌نویسد: "گروه تجمع کم و بیش سازمان یافته افرادی است که به خاطر منفعت مشترک به یکدیگر مربوط بوده و در پی دفاع از این منفعت مشترک هستند" (۶)

همان طور که گفته شد گروه‌ها دارای ساختار و همچنین پویایی گروهی هستند. آریان پور در مورد زندگی گروهی که حاصل کنش‌های متقابل افراد است می‌گوید:

کنشهای متقابل بعضی پیوسته و بعضی گسسته‌اند و هیچ گروهی به سازگاری و توافق کامل نمی‌رسد. کنش‌های متقابل پیوسته همکاری اعضا و توافق گروهی را موجب می‌گردد و کنش‌های متقابل گسسته موجب عدم توافق و ایجاد ستیز و اختلاف می‌شود. بدین ترتیب در درون هر گروهی براساس این نوع کنش، همکاری، همانندی، توافق، سازگاری و سبقت جویی، رقابت و ستیزه کاری در جریان است که در مجموع "پویای گروهی" یا "پویایی گروه" خوانده می‌شود. (۷)

روش پژوهش:

این پژوهش به صورت موردی (مورد پژوهی / Case Study) و با استفاده از روش پیمایشی و کیفی (توآمان) انجام شده است. جامعه آماری یک گروه ۵۵ نفره بوده و نمونه‌گیری انجام نشده و کل جامعه مورد بررسی قرار گرفته است. آزمودنی در وهله اول یک فرد نان خشکی افغان بوده و در وهله بعدی یک پاره گروه ۱۷ نفره از کل جامعه بوده است. در این پژوهش از ابزار مشاهده، مصاحبه پرسشنامه استفاده شده است و پژوهشگر در این مطالعه موردی نقش "مشاهده کننده کامل" را داشته است.

بحث و نتیجه گیری

جدول سن نان خشکی‌های مورد مطالعه

سن	فراوانی	درصد
۱۰-۱۴	۷ نفر	۱۲/۷۵
۱۵-۱۹	۲۰ نفر	۳۶/۳۶
۲۰-۲۴	۱۵ نفر	۲۷/۲۷
۲۵-۲۹	۷ نفر	۱۲/۷۵
۳۰-۳۴	۲ نفر	۳/۶۳
۳۵ سال به بالا	۴ نفر	۷/۲۷
جمع	۵۵ نفر	۱۰۰ درصد

جدول فوق نشان می‌دهد از ۵۵ نفر نان خشکی، ۷ نفر واقعاً کودک هستند و ۲۷ نفر معادل ۴۹/۱۹ درصد آنان ۱۹ و زیر ۱۹ سال هستند. یعنی ۱۲/۷۵ درصد آنان زیر ۱۴ سال سن دارند یعنی

جدول مهمترین علت نان خشکی شدن افراد مورد مطالعه

ردیف	علت	فراوانی	درصد
۱	در کنار اقوام و خویشاوند خود بودن	۱۷ نفر	۳۰/۹۰
۲	در مشاغل دیگر مورد اذیت و آزار و اجحاف قرار گرفتن	۸ نفر	۱۴/۵۴
۳	بلد نبودن شغل و حرفه دیگر	۱۵ نفر	۲۷/۲۷
۴	پیدا نکردن شغل دیگر	۱۴ نفر	۲۵/۴۵
۵	علل دیگر	۱ نفر	۱/۸۱
	جمع	۵۵ نفر	۱۰۰ درصد

می‌دهد حدود ۱۷ نفر یعنی معادل ۳۰/۹۰ درصد آنان از این دسته‌اند. عده دیگری از نان خشکی‌ها نیز سابقه اشتغال به کار دیگری را داشته ولی به علت بی‌کار شدن یا مورد اجحاف قرار گرفتن مخصوصاً در کار بنایی، به این کار روی آورده‌اند.

نان خشکی‌ها همه با هم خویشاوند یا بچه محل (خاستگاه جغرافیایی مشترک) بوده و کسانی که به تازگی از افغانستان آمده به علت ناآشنایی و احساس غریبی معمولاً سعی می‌کنند به نزد اقوام و خویشاوند خود آمده و همراه با آنان و در کنار آنان کار کنند که جدول نشان

جدول ادراک نان خشکی‌ها از تصور مردم عادی از آنان هنگام دوره‌گردی

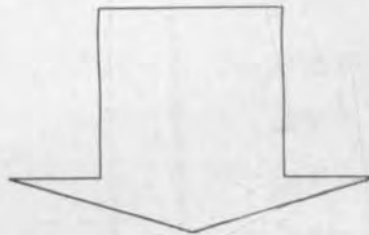
ردیف	تصور مردم	فراوانی	درصد
۱	کاسب	۸ نفر	۱۴/۵۴
۲	خانه به دوش	۱۲ نفر	۲۱/۸۱
۳	خلافکار	۱۳ نفر	۲۳/۶۳
۴	ولگرد	۱۴ نفر	۲۵/۴۵
۵	گدا	۵ نفر	۹/۰۹
۶	نوع دیگر	۳ نفر	۵/۴۵
	جمع	۵۵ نفر	۱۰۰ درصد

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد به نظر می‌رسد ادراک نان خشکی‌ها از تصور مردم نسبت به آنان بیشتر به سمت منفی گرایش دارد. مسلماً این نوع ادراکات در رفتار نان خشکی‌ها و بهداشت روانی و اجتماعی آنان تأثیر زیادی دارد.

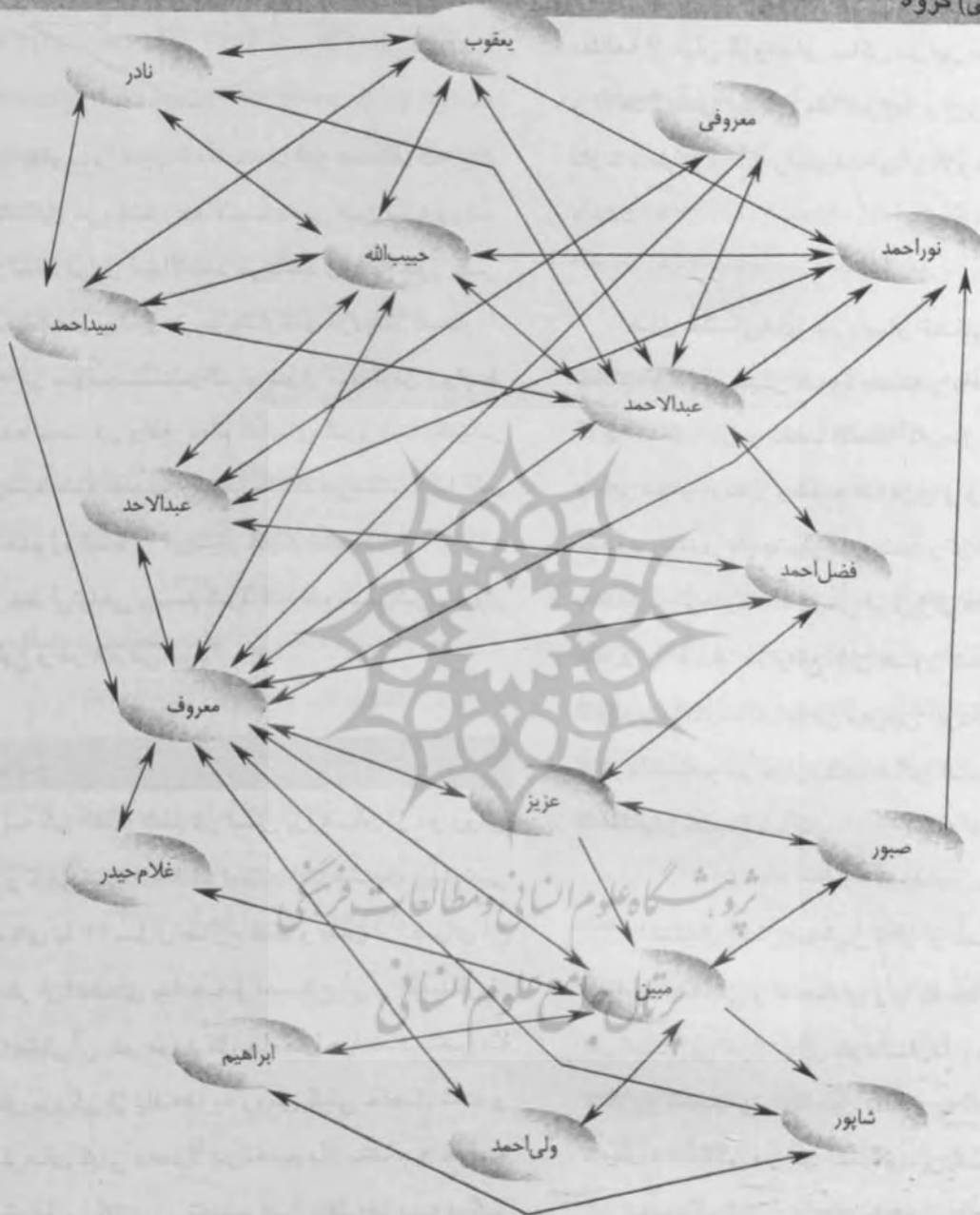
بدیهی است وقتی مردم عادی در کوچه و خیابان افراد ژولیده و گونی به دوشی را می‌بینند که در حال تردد بوده یا زباله‌ها را زیرورو می‌کنند، افرادی که به وضوح رفتار و وضع ظاهرشان تناسبی با محیط ندارد، تصورات نادرستی از آنان در ذهنشان شکل می‌گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



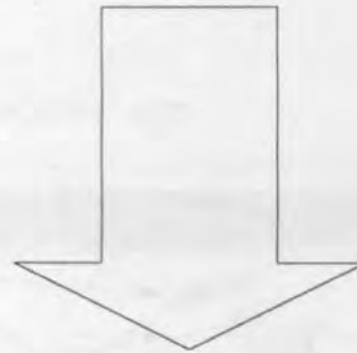
سوسیوگرام (جمعی) گروه



با این حال یافته‌های آماری و بخشی از یافته‌هایی را که به صورت کیفی به دست آمده میتوان به جامعه هزار و صد نفری نان خشکی‌های غیرمجاز افغان که در جنوب شرقی تهران اسکان دارند تعمیم داد. زیرا گروه مورد مطالعه از میان گروه‌های ساکن در این منطقه انتخاب شده و تا حد زیادی این گروه‌ها شرایط و ویژگی‌های یکسانی دارند و می‌توان آن را نمونه‌ای از گروه‌های این جامعه دانست.

نان خشکی‌های غیرمجاز افغانی، گروه اقلیت و حاشیه‌ای و همچنین گروه بسته و ناهنجاری است که گرچه شغل آنان و بعضاً اقامت آنان در ایران غیرقانونی و غیر مجاز بوده و وضع ظاهری و رفتار آنان نیز تا حدود زیادی نابهنجار می‌باشد و از این جهات کجرو محسوب می‌شوند اما برخی از ویژگی‌های افراد منحرف و کجرو را ندارند. در واقع آنان هنوز شخصیت منحرف و کجرو پیدا نکرده‌اند اما در معرض آلودگی‌های شخصیتی قرار داشته و در درازمدت ممکن است به انحراف‌های شدیدتری کشیده شوند.

اشتغال آنان به این کار از سراجبار و ناشی از شرایط اجتماعی و اقتصادی و یا به عبارت دیگر ناشی از فقر است. این افراد برای خود سازمان و تشکیلات داشته و گروه منسجمی را تشکیل داده و به گروه‌های خود وفا دارند. همبستگی در بین اعضای این گروه شدید است و این همبستگی ناشی از شرایط اجتماعی آنان و احساس در اقلیت بودن و نیز روابط خویشاوندی و روابط گروهی آنان است.



تذکر: نادر، یعقوب و حبیب اله سه برادر هستند که یک مثلث را تشکیل می‌دهند. عبدالاحد دایی این سه برادر است. نور احمد برادر عبدالاحد می‌باشد و ... به طور کلی روابط صمیمانه‌تر بیشتر بر خویشاوندی نزدیکتر است. توجه: در سوسیوگرام فوق مهمترین روابط ترسیم شده است. در واقع، تمام اعضای گروه با یکدیگر رابطه دارند که عمدتاً رابطه مثبت می‌باشد اما اگر بخواهیم تمام روابط را ترسیم کنیم باید $17 \times 16 = 272$ خط ارتباطی رسم کرد که سوسیوگرام فوق العاده شلوغ و در هم می‌شود.

بحث در نتایج:

همانگونه که گفته شد در این پژوهش از دو روش پیمایشی و کیفی استفاده شده است. در قسمت پیمایشی پرسشنامه‌ای با ۲۳ سؤال طرح شد و پس از اجرای آن روی ده نفر از اعضای جامعه و اصلاح آن و اطمینان از روایی و اعتبار آن، در مورد کل جامعه اجرا شد. نظر به اینکه بخش بزرگی از یافته‌ها به روش کیفی حاصل شده و در پژوهش‌های کیفی معمولاً در تعمیم یافته‌ها به جوامع دیگر احتیاط می‌کنند در تعمیم این یافته‌ها به دیگر گروه‌های نان خشکی نیز باید احتیاط نمود.

منابع:

۱. بروس، کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۱.

2. Whyte. W. F. (1955). Street corner society, the social structure of an Italian slum, Chicago, University of Chicago Press.

۳. تودارو، مایکل، مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، نشریه کار و جامعه (نشریه علمی و تخصصی وزارت کار و امور اجتماعی)، شماره ۲، خرداد ماه ۱۳۶۶.

۴. محسنی، رضا علی، مجله "امنیت"، ارگان معاونت انتظامی وزارت کشور، سال چهارم، شماره ۱۷ و ۱۸، آذر و دی ماه ۱۳۷۹.

۵. قنادان، منصور، "جامعه‌شناسی، مفاهیم کلیدی"، انتشارات آوای نور، تهران، ۱۳۷۵.

۶. قنادان، منصور، مقدمه‌ای بر شناخت پویایی گروه، انتشارات آوای نور، تهران، ۱۳۷۵.

۷. آریان پور، امیرحسین، زمینه جامعه‌شناسی، کتابهای خیبی، تهران، ۱۳۵۶.

این افراد عمدتاً بی‌سواد و فاقد تخصص کاری و حرفه‌ای بوده و در کار باید بیشتر از توان جسمی خود استفاده کنند. پیشنهاد می‌شود مسئولان جامعه آنان را به مشاغل کارگری مفید و سازنده‌ای هدایت نمایند.

بخش بزرگی از نان خشکی‌های افغانی کودک هستند و متأسفانه کودکانی که در این سن باید به مدرسه بروند به علت شرایط خاص کشورشان مجبورند زباله‌های شهری را زیرورو کنند و در بین آنها به جستجوی اشیاء ارزش‌دار بپردازند.

پیشنهاد می‌شود یونیسف، جمعیت دفاع از حقوق کودک، انجمن‌های خیریه افغان و ... جهت کمک به کودکان افغان تلاش بیشتری نمایند و کودکان افغان نان خشکی را تحت پوشش و حمایت بگیرند.

- با توجه به اینکه جلوگیری از ورود افغانی‌ها به کشور ایران عملاً غیرممکن است پیشنهاد می‌شود وزارت کشور حداقل افغان‌های فاقد کارت اقامت را شناسایی و آمار آنان را به کمیساریا و سازمان‌های بین‌المللی داده و آمار دقیق آنان را به جهانیان اعلام دارد تا از این طریق بتواند کمک‌های بین‌المللی بیشتری دریافت دارد.

- به سازمان بازیافت شهرداری پیشنهاد می‌شود تعداد بیشتری از نان خشکی‌های غیرمجاز را تحت پوشش خود بگیرد. به کارگماری اینان توسط سازمان بازیافت باعث جلوگیری از برخورد نان خشکی‌های مجاز و غیرمجاز شده و در عین حال امکان نظارت بیشتر بر فعالیت آنان را فراهم نموده و غیرمجاز بودن فعالیت آنان نیز برطرف می‌گردد.